قاعده لاضرر، جلسه11، 14/11/139

بسم الله الرحمن الرحیم

اشکال مرحوم خویی به صاحب کفایة

در کفایه جلد دوم محشی صفحه 266، مرحوم آخوند رحمه الله، تقابل «لاضرر و لاضرار» را به تقابل ملکه و عدم می داند. ایشان می فرماید: «فالظاهر ان الضرر هو ما یقابل النفع من النقص فی النفس او الطرف – اعضای بدن- او العرض او المال و تقابلهما تقابل العدم و الملکة»، مرحوم آیت الله خویی رحمه الله صاحب مصباح الاصول در جلد دوم صفحه 522 در این کلام اشکال کرده است، می فرماید: «بأن الضرر هنا حیث کان اسم مصدر فلابد ان یکون مقابله المنفعة لاالنفع لأنه مصدر فیقابله المصدر و هو الضرّ مصدر ضرّ یضرّ کما فی الآیة «لایملکون لانفسهم ضرّا و لا نفعا» و مادة الضرر تستعمل متعدیة اذا کانت مجردة فیقال ضرّه و یضره» یعنی ضرر به او می رساند پس یضرّه متعدی بنفسه است «و اما ان کانت من باب الافعال فتستعمل متعدیة بالباء یقال اضرّبه و لا یقال اضرّه» یعنی مزید فیه می شود و مفعول بواسطه می شود «و اما معنی الضرر فهو النقص فی المال کما اذا خسر التاجر فی تجارته او فی العرض کما حدث شی اوجب هتکه او فی البدن بالکیفة کما اذا اکل شیئا فصار مریضا أو بالکمیة کما اذا قطع یده مثلا والمنفعة هی الزیادة من حیث المال کما از ربح التاجر فی تجارته او من حیث العرض کما حدث شی اوجب تعظیمه او من حیث البدن کما اذا أکل المریض فعوفی منه و بینهما واسطة کما انه اذا لم یربح التاجر و لایخسر فلم یتحقق منفعة و لا ضرر فظهر ان التقابل بیننهما تقابل التضاد لا من تقابل العدم و الملکة » انتهی؛ می فرماید: ضرر به معنای نقض در مال یا ناموس است مثل خسارت مالی یا هتک حرمت به آبروی فرد یا خسارت در بدن است مثل مریضی یا به کمیت است مثل قطع دست و منفعت بر خلاف آن است مثل سود کردن در مال یا عظمت پیدا کردن یا خوب شدن در بدن اما گاهی فردی نه ضرر میکند و نه منفعت کسب میکند پس با آمدن این مثال ها می فهمیم که تقابل در این موارد تفابل ضد است که واسطه هم دارد برخلاف ملکه و عدم که واسطه ندارد؛

اشکال به کلام مرحوم خویی رحمه الله

اما ما به کلام مرحوم خویی رحمه الله اشکال داریم،

اولاً: قبلاً شناختید که از نظر لغت در صحاح و قاموس و نهایه گفته بودند «ان الضرر مقابل النفع»، یعنی معنای مصدری است؛ «بل هکذا فی کلمات الاصحاب من الاصولیین و لم ار من اطلق عنوان الضرر و جعله فی مقابل المنفعة عدا السید الخویی یقول الضرر یقابل المنفعة» غیر از موحوم خوئی رحمه الله کسی ضرر را مقابل منفعت قرار نداده است بلکه معنای مصدری کرده اند یعنی ضرر کردن در مقابل نفع بردن

و شاید وجه عدم اطلاق علما آن باشد که ضرّ اگر به معنای مصدری باشد بدون ادغام باید باشد یعنی ضرر کردن و این معنا مقابل نفع قرار میگیرد و اما ضرّ همراه با ادغام اسم مصدر است که مقابل آن منفعت قرار میگیرد پس صحیح است که بگوییم ضرر مقابل نفع است اما گاهی ضرّ که مصدر است به معنای اسم مصدری هم به کار می رود پس در آیه شریفه که می فرماید: «لا یملکون لأنفسهم نفعا و لا ضرا» هم میتوان به معنای مصدری گرفت یعنی نفعی برای خود نمی رسانند و هم میتوان به معنای اسم مصدری گرفت یعنی منفعتی را برای خود جلب نمیکنند و در عرف نیز گاهی نفع را به معنای اسم مصدری استفاده میکنند مثلا میگویند من نفعی نبردم یعنی منفعتی به دست نیاوردم

ثانیا: ان المنفعة قد یطلق و یراد به ما یقابل الاعیان یعنی گاهی ما منفعت را در مقابل اعیان قرار میدهیم یعنی به منافع یک عین منفعت اطلاق میکنیم مثلا شیر گوسفند، پشم و گوشت آن از نماهای متصل و منفصل که در این موارد منفعت اطلاق بر عین نمی شود پس بنابر این اگر در عین استعمال شود صحیح نیست در حالی که ضرر مقابل نفع به معنای مطلق آن است یعنی مطلق ضرر مراد است خواه ضرر در مال باشد یا منافع یک عین و یا خود اعیان مراد باشدپس ضرر مقابل نفع مطلق است. پس مراد از آن همان چیزی است که اعلام و بزرگان میگویند نه آن معنایی که مرحوم آیت الله خوئی می فرمایند.

فارادة الضرر هنا فی مقابل المنفعة قد یوجب کون مراد ضرر هو الوارد علی المنافع دون الاعیان و الامر لیس کذلک فلابد ان یراد من المنفعة هنا ما یصدق علی مطلق النفع فینطبق علی النفع المطلق فیرجع بما قاله الاعلام ضمنا باید عرض شود بیان این نکته هم ضروری است که اطلاق ضرر در اخبار باب از جمله خبر سمرة اطلاق بر عرض است نه مال «لأنّ سمره یزاحم الانصاری بعدم الاستیذان و یجعله فی الحرج و الشدة فاستعمال ذلک لا یناسب مع المقابلة المذکورة بان یقال أنّ الاستیذان عند الدخول یتضمن منفعة» اگر معنای ضرر را در مقابل منفعت قرار دهیم با آنچه که عرف می فهمد تنافی دارد چرا که عرف مسئله حفظ عرض و ناموس را منفعت نمیداند بلکه نفع میداند پس اگر ضرر را در مقابل نفع قرار دهیم با این خبر هم مناسب است یعنی نفع انصاری در حفظ ناموس خود است نه اینکه منفعت او اینگونه باشد.

انشاء الله باقی مطالب در جلسه آینده عرض می شود.